**5شنبه 1/3/1404- 24ذیقعده 1446-22مه 2025- درس 37 تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم -** نمایشگاه جهاد کشاورزی (بارش و رویش و خورش)(ماء ونبات)

[سوره الأنعام (6): آيه 99]

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ انْظُرُوا إِلى‏ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِنَّ فِي ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (99)

اوست كه از آسمان آبى نازل كرده است كه رويش هر چيزى بدان پديد آورده‏ايم و از جمله سبزه‏اى پديد آورده‏ايم كه از آن دانه‏هاى روى هم چسبيده پديد مى‏آوريم و از نخل، از طلع آن، خوشه‏هاى نزديك و باغها، از تاكها و زيتون و انار، بوجود آورده‏ايم كه بيكديگر مانند و ناهمانند هستند. هنگامى كه ثمر مى‏دهد، بميوه آن و رسيده شدن آن بنگريد. كه در اينها براى آنان كه ايمان دارند، نشانه‏هاست.

قرائت‏

جنات: ابو بكر از عاصم برفع خوانده است. قرائت على ع و ابن مسعود و اعمش و يحيى بن يعمر نيز برفع است. اما ديگران به جرّ خوانده‏اند. قرائت دوم بنا بر اين است كه عطف بر «خضرا» باشد و قرائت اول بنا بر اين است كه عطف بر «قنوان» باشد.

ثمره: حمزه و كسايى و خلف اين كلمه را بضم ثاء و ميم و ديگران بدو فتحه خوانده‏اند (اين اختلاف قرائت در سوره يس نيز هست) قرائت دوم بنا بر اين است كه جمع «ثمرة» باشد. قرائت اول بنا بر اين كه نيز جمع «ثمرة» يا جمع «ثمار» باشد.

لغت‏

خضر: سبز. در حديث است كه‏

«ان الدنيا حلوة خضرة»

يعنى: دنيا ظاهرى آراسته و دلنشين دارد. «اخضر» نيز بهمين معنى است. هر گاه در جايى سبزه زياد باشد، عرب آنجا را «اسود» يعنى سياه مى‏نامد. عراق را بواسطه اينكه سبزه زياد دارد، «سواد عراق» مى‏نامد.

متراكب: متراكم، سوار بر هم طلع نخل: اولين نشانه ثمر نخل قنوان: خوشه‏ها. جمع قنو دانيه: نزديك ينع: رسيدن ميوه‏

مقصود

بدنبال مطالبى كه قبلا در اثبات وحدت و عظمت خداوند بيان داشت، مى‏فرمايد:

وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ: سماء در لغت عرب، به معناى بالاى سر است. يعنى: ما از ابر براى شما باران فرستاديم و رشد و نمو هر چيزى را بوسيله آن خارج كرديم. يعنى غذاى چارپايان و مرغان و حيوانات وحشى و انسانها بوسيله آن فراهم كرديم، تا بخورند و رشد كنند. پس مقصود از «نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ» چيزى است كه بوسيله آن هر چيزى برويد و رشد كند.

ممكن است معناى آيه اين باشد كه بوسيله باران همه انواع گياهان را سبز كرديم و بنا بر اين منظور از: «كُلِّ شَيْ‏ءٍ» انواع نباتات است. لكن معناى اول بهتر است. پس آب سبب پيدايش نبات و رويش موجودات جاندار است. در عين حال ممكن است خداوند چيز ديگرى را وسيله قرار دهد.

فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً: ما از آب يا از گياه، سبزه‏ها بيرون ميآوريم و از سبزه‏ها دانه‏ها و خوشه‏ها مثل خوشه گندم و كنجد و ... خارج مى‏كنيم.

وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ: و از طلع درخت خرما خوشه‏هايى بيرون مى‏آوريم كه در دسترس ميباشد. بديهى است كه درخت خرما گاهى بلند است و ثمر آن در دسترس نيست و گاهى كوتاه است و ثمر آن در دسترس است. در آيه شريفه، فقط قسم دوم را بيان داشته و از بيان قسم اول صرف نظر شده است. در حقيقت به ذكر يكى اكتفاء و از ذكر ديگرى خوددارى كرده است، زيرا شنونده مى‏تواند قسم ديگر را بقرينه مقام حدس بزند. اين معنى از زجاج است.

برخى گويند: منظور از «دانيه» اين است كه بار درخت خرما بر اثر زيادى و سنگينى به زمين نزديك شده است. يعنى برخى از نخلها ثمرشان سنگين و به زمين نزديك است.با اينكه ثمر برخى از درختان ديگر نيز داراى جلد و غلاف است و تنها درخت خرما داراى طلع يعنى جلد و غلاف نيست. مع الوصف خداوند متعال فقط بمورد اخير اشاره كرد و از بيان موارد ديگر خوددارى فرموده است. علت اين است كه اين يكى فوايد بى‏شمار دارد و سرشار از مواد غذايى است.[[1]](#footnote-1) وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ‏: و بوسيله آب باغهاى انگور و درخت زيتون و انار را بوجود مى‏آوريم. علت اينكه زيتون و انار را با هم ذكر مى‏كند، اين است كه بنظر عرب، سراپاى شاخه‏هاى آنها را برگ فرا گرفته است.

مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ‏: درختها با يكديگر شبيهند. اما طعم ميوه‏هاى آنها فرق دارد. برخى گويند: يعنى برگ آنها شبيه هم هستند و ميوه آنها شبيه هم نيستند.

اين معنى از قتاده است. جبائى گويد: يعنى برخى از درختها با يكديگر شبيه و از يك جنس و برخى از دو جنس هستند. بهتر اين است كه بگوييم: همه اينها از جهتى با يكديگر شبيه و از جهتى با يكديگر مخالف هستند. اين معنى، همه معانى فوق را در بر دارد.

انْظُرُوا إِلى‏ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ‏: با ديده عبرت بنگريد كه چگونه درختها ثمر مى‏دهند و ثمر آنها پخته و رسيده ميشود و مورد استفاده شما قرار ميگيرد.

يعنى: اين مراحل را از روز پيدايش ميوه بر شاخ درخت، تا روز رسيدن و پخته شدن آن و تغييراتى كه در طعم و رنگ و بو و خردى و درشتى آن ايجاد ميشود، دنبال كنيد، تا پى بريد كه آفريدگارى مدبر، دست در كار خلقت و تدبير آن است.إِنَّ فِي ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ‏: آرى در آفرينش ميوه و گياه‏ها، با توجه به اختلافى كه در ميان آنهاست و ريزه‏كاريهاى دقيق و مدبّرانه‏اى كه در ساخت آنها بكار رفته است، براى مردم با ايمان دلايل روشن و قانع كننده‏اى وجود دارد بر اينكه آنها را خالقى است كه از روى علم و تميز، آنها را بزيور خلقت آراسته است. [[2]](#footnote-2)

تفسیر مدیریتی

نمایشگاه جهاد کشاورزی (بارش و رویش و خورش)(ماء ونبات)

یک آسمان یک آب یک بارش برای نبات ورویش هر موجود زنده یعنی آب حیات .در آیه قبل خداوند نمایشگاه خود را گشود مملو از خلاقیت و تنوع مشحون از ابتکارات وتازه ها غرفه غرفه در این آیه بحث بارش و ورویش است بحث آب و غذا است کشاورزی است از وحدت موجد کثرت از یک آب ریزان وروان تهیه ورویش این همه غذا برای انسان وحیوان .اساس غذا گیاه است انعام هم از همین نبات تغذیه میکند گوشت برای خورش بشر و حیوانات و.... نمایشگاه توحید وحدت و کثرت وحدت آب و کثرت رویش غذا آبیاری غرق آبی عامل حیات و نبات بحث رویش است یعنی نبات و انبات حمایت برای رویش استعدادها وظرفیت ها چرخه محیط زیست طبیعی وبا طراوت نمایشگاه جهاد کشاورزی با تنوع شگفت از گل و گیاه رنگارنگ و هماهنگ همه ناشی از خلاقیت . جهاد کشاورزی اساس حیات بشری اعم از حیات وحش و اهل . مدیریت کشاوزی جهادی معرکه زندگی ایجاد تحولات در هستی با نبات و انبات و حیات . بهترین نمایشگاه . درسی برای تولید و توحید . یک درس مدیریت این که مقامات عالی وسماوی وستادی باید ببارند و نبات و رویش را به ظرفیت ها و استعداد ها محول کنند آنها خود برویند و قد بکشند اغذیه و تغذیه رویشی و جوششی باشد ستاد وسماء حمایت میکند نه دخالت و الا چرخه حیات چرخه نبات نیست مصنوعی و غیر طبیعی است بهترین مدیریت در زیر بنایی ترین عوامل حیات یعنی کشاورزی در این آیه گزارش شده است باریدن و روییدن رویش آزاد مطابق استعداد های طبیعی نباید و نمیتوان آزادی را از استعداد های رویان گرفت حکمران فقط میبارد یکسان و همسان با لطافت طبع ولی اودیه و اوعیه بقدر آمادگی که در نهانش نهادینه شده است میروید رویان میشود و خلقت به هدفش میرسد ولی باز انبات به خدا نسبت داده میشود که آب حیات را بارانده است فتدبر. تزاحمات و تنازعات مدنی است که دسیسه میکند در استعدادها و آنها را گمراه میکند و از مسیر اصلی و اصیل باز میدارد هرموجودی باید خودش باشد تا تربیت او به نحو متعالی صورت گیرد و و خلاقیت ربوبی خلاقیت انبات و نبات است با بارش و رویش طبیعی . غذا در این میان حرف اول را میزند آب و غذا که عامل اصلی حیات است و باید روی آن اصلی ترین سرمایه گذاری بشود که از آن به مدیریت جهادی کشاورزی یا جهاد کشاورزی یاد میکنیم که باید از خدا یاد بگیریم این مدیریت وربوبیت را عالی ترین فرآیند در ابتکار و انحصار اوست که خلاق علیم است***وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً*** یک آب عامل رویش ونبات همه چیز فَأَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ كُلِّ شَيْ‏ءٍ غرفه اول ***فَأَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً*** گیاه سبز سبزی علامت طراوت و نشاط است که رنگ زندگی است ***نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَراكِباً*** از این سبزی دانه های روی هم چسبیده و حبوبات متنوعه ***وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِيَةٌ*** نخلستان که میوه و غذا با هم است و زیست شبه بشری دارد طلع و قنوان[[3]](#footnote-3) یعنی شکوفه و خوشه نه در از دسترس که دانیه و نزدیک با یک تلاش و جهاد ***وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنابٍ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ*** بعد باغستان های انگور و زیتون و انار سه میوه که ادویه و اغذیه اصلی حیات را به نحو سالم و مقوی میسازند سازمان میدهند شاید این ترتیب در این ترکیب حساب شده است . اول حبوبات بعد خرما وبعد انگور بعد زیتون وبعد انار میوه هایی که در بهشت هم وجود دارند مُشْتَبِهاً وَ غَيْرَ مُتَشابِهٍ این نباتات از لحاظ رنگ و طعم و مزه و ویتامین و ... همانند و ناهمانند دارد گونه های همگون و ناهمگون دارد ***انْظُرُوا إِلى‏ ثَمَرِهِ إِذا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ*** به خروجی این سیستم شگفت انبات نبات بنگر و یاد بگیر و در پدیده حیات نظر کن و نظریه بپرداز ***إِنَّ فِي ذلِكُمْ لَآياتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ*** (99) در این نمایشگاه حیات و نبات نشان های از وجود خدا و خدایی را ببین که می بارد و رویش میکند با لحاظ استعداد ها و تنوعات (والله العالم)

اوست كه از آسمان آبى نازل كرده است كه رويش هر چيزى بدان پديد آورده‏ايم و از جمله سبزه‏اى پديد آورده‏ايم كه از آن دانه‏هاى روى هم چسبيده پديد مى‏آوريم و از نخل، از طلع آن، خوشه‏هاى نزديك و باغها، از تاكها و زيتون و انار، بوجود آورده‏ايم كه بيكديگر مانند و ناهمانند هستند. هنگامى كه ثمر مى‏دهد، بميوه آن و رسيده شدن آن بنگريد. كه در اينها براى آنان كه ايمان دارند، نشانه‏هاست.

برای مطالعه

وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ

1. ( 1)- خرما سرشار از ويتامين‏هاى و و و مى‏باشد. ويتامين در نمو حيوانات دخالت مى‏كند. نسج و پوشش را در برابر عفونت‏ها تقويت مى‏نمايد. در بينايى رل مهمى دارد.

   ويتامين جلو اختلالات در چشم و پوست و فلج و كم اشتهايى را مى‏گيرد. در كمبود ويتامين خونريزيهاى مختلف و خستگى مخصوصاً در فصل بهار و بى‏ميلى و اختلالات قلبى و تنفسى و استعدادهاى زياد به عفونتهاى مختلف، پيدا ميشود. ويتامين در عمل غدد تناسلى و رشد جنين مؤثر است. برخى خرما را داراى ويتامين هم دانسته‏اند. [↑](#footnote-ref-1)
2. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-2)
3. قال أبو جعفر : يقول - تعالى ذكره - : ومن النخل من طلعها قنوانه دانية ، ولذلك رفعت " القنوان " . [ ص: 575 ]  
     
   و " القنوان " جمع " قنو " كما " الصنوان " جمع " صنو " وهو العذق . يقال للواحد هو " قنو " و " قنو " و " قنا " يثنى " قنوان " ويجمع " قنوان " و " قنوان " . قالوا في جمع قليله : " ثلاثة أقناء " . و " القنوان " من لغة الحجاز ، و " القنوان " من لغة قيس ، وقال امرؤ القيس :

   فأثت أعاليه وآدت أصوله ومال بقنوان من البسر أحمرا

   و " قنيان " جميعا . وقال آخر :

   لها ذنب كالقنو قد مذلت به     وأسحم للتخطار بعد التشذر

   [ ص: 576 ] وتميم تقول : " قنيان " بالياء .  
     
   ويعني بقوله : " دانية " قريبة متهدلة .  
     
   وبنحو الذي قلنا في ذلك قال أهل التأويل .  
     
   ذكر من قال ذلك :  
     
   13662 - حدثنا المثنى قال : حدثنا عبد الله بن صالح قال حدثني معاوية بن صالح ، عن علي بن أبي طلحة ، عن ابن عباس : " قنوان دانية " يعني ب " القنوان الدانية " قصار النخل ، لاصقة عذوقها بالأرض .  
     
   13663 - حدثنا بشر بن معاذ قال : حدثنا يزيد قال : حدثنا سعيد ، عن قتادة قوله : " [من طلعها قنوان دانية](https://www.islamweb.net/ar/library/content/50/1840/%D8%A7%D9%84%D9%82%D9%88%D9%84-%D9%81%D9%8A-%D8%AA%D8%A3%D9%88%D9%8A%D9%84-%D9%82%D9%88%D9%84%D9%87-%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%D9%89-%D9%88%D9%85%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AE%D9%84-%D9%85%D9%86-%D8%B7%D9%84%D8%B9%D9%87%D8%A7-%D9%82%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%8A%D8%A9-#docu)" قال : عذوق متهدلة .  
     
   13664 - حدثنا محمد بن عبد الأعلى قال : حدثنا محمد بن ثور ، عن معمر ، عن قتادة : " قنوان دانية " يقول : متهدلة .  
     
   13665 - حدثنا هناد قال : حدثنا وكيع ، وحدثنا ابن وكيع قال : حدثنا أبي ، عن سفيان ، عن أبي إسحاق ، عن البراء في قوله : " قنوان دانية " قال : قريبة .  
     
   13666 - حدثنا الحسن بن يحيى قال : أخبرنا عبد الرزاق قال : أخبرنا الثوري ، عن أبي إسحاق ، عن البراء بن عازب : " قنوان دانية " قال : قريبة .  
     
   13667 - حدثني محمد بن سعد قال حدثني أبي قال حدثني عمي قال حدثني أبي ، عن أبيه ، عن ابن عباس قوله : " [ومن النخل من طلعها قنوان دانية](https://www.islamweb.net/ar/library/content/50/1840/%D8%A7%D9%84%D9%82%D9%88%D9%84-%D9%81%D9%8A-%D8%AA%D8%A3%D9%88%D9%8A%D9%84-%D9%82%D9%88%D9%84%D9%87-%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%D9%89-%D9%88%D9%85%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AE%D9%84-%D9%85%D9%86-%D8%B7%D9%84%D8%B9%D9%87%D8%A7-%D9%82%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%8A%D8%A9-#docu)" قال : الدانية ؛ لتهدل العذوق من الطلع .  
     
   13668 - حدثت عن الحسين بن الفرج قال سمعت أبا معاذ قال : حدثنا عبيد بن سليمان قال سمعت الضحاك يقول في قوله : " [ومن النخل من طلعها قنوان دانية](https://www.islamweb.net/ar/library/content/50/1840/%D8%A7%D9%84%D9%82%D9%88%D9%84-%D9%81%D9%8A-%D8%AA%D8%A3%D9%88%D9%8A%D9%84-%D9%82%D9%88%D9%84%D9%87-%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%84%D9%89-%D9%88%D9%85%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%AE%D9%84-%D9%85%D9%86-%D8%B7%D9%84%D8%B9%D9%87%D8%A7-%D9%82%D9%86%D9%88%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D9%86%D9%8A%D8%A9-#docu)" يعني النخل القصار الملتزقة بالأرض ، و " القنوان " طلعه . [↑](#footnote-ref-3)